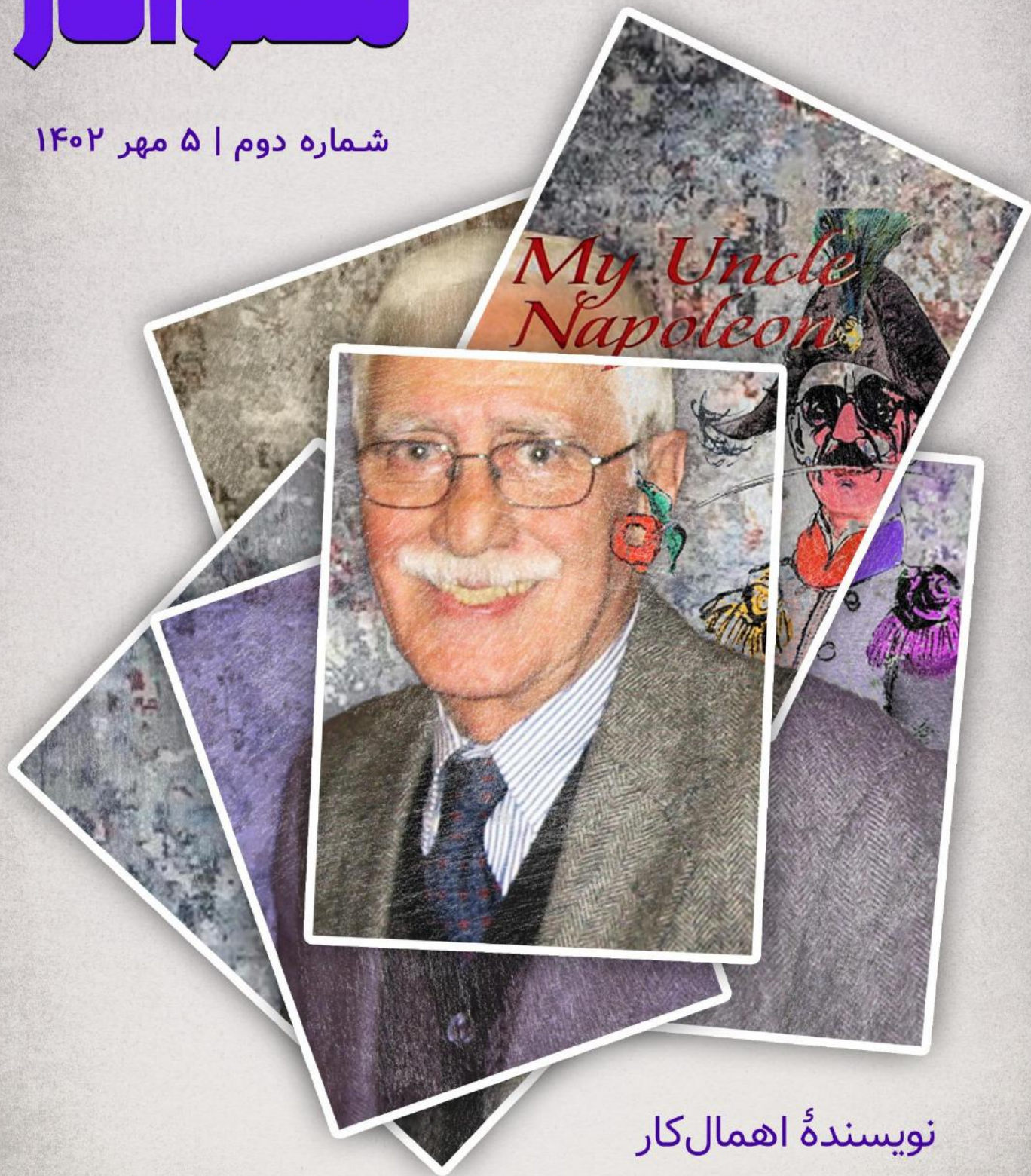


ماهنامه الکترونیکی

# محتواکار

شماره دوم | ۵ مهر ۱۴۰۲



نویسندهٔ اهمال کار  
قله‌های طنزنویسی ایران  
UX Writing

# به نام خداوند بخشنده مهربان

## یادداشت سردبیر

سلام، من نازنین ایمانی هستم یک محتواکار. مهم‌ترین دغدغه من در این سال‌ها، در یک کلمه «آموزش محتوا» بوده است. معتقدم اگر سیستم آموزشی ما اصلاح شود به تبع آن بسیاری از مسائل دیگر نیز حل می‌شود. وبینارها و ماهنامه محتواکار نیز به همین دلیل شکل گرفته است.

دو دیدگاه کلی به نویسندگی وجود دارد، نویسندگی هنری و نویسندگی تبلیغاتی. ما در محتواکار به هر دوی آنها می‌پردازیم. اشتراکات این دو حوزه از آن چه تصور می‌کنید بیشتر است. تا سال‌ها داستان‌نویسی زیر مجموعه نویسندگی هنری بود اما با رشد بازاریابی محتوایی، کسب‌وکارها متوجه اهمیت داستان‌سرایی برای جذب مخاطبان بیشتر، شدند. به عبارت دیگر، داستان بهتر می‌تواند منجر به سهم از بازار بیشتر شود.

قصد داریم از شماره بعدی، بخشی از صفحات را به بازخوردها و سوالات شما اختصاص دهیم و خوشحال می‌شویم اگر موضوعات مقالات بعدی را شما به ما پیشنهاد دهید.

شماره ۲ - ۵ مهر ۱۴۰۲ - ۲۰ صفحه (با جلد)

## ماهنامه الکترونیکی غیربرخط محتواکار

قیمت: رایگان

مدیر مسئول، صاحب امتیاز و سردبیر

نازنین ایمانی

نویسندگان

زهرا بیت‌سیاح، زینب فولادی، فرزانه کردلو،

نازنین ایمانی

## فهرست

نویسنده اهمال‌کار.....۱

قله‌های طنزنویسی ایران.....۱۰

UX Writer.....۱۵

## راه‌های ارتباطی

کانال آپارات: mohtavakar.com

اینستاگرام: mohtavakargroup

گروه تلگرام: mohtavakargroup

پشتیبان تلگرام: ۰۹۲۲۶۱۰۶۲۵۳



## نویسندهٔ اهمال کار

به این فکر می‌افتم که شاید از سر گرفتن کلاس مجازی نیمه‌تمامم بد نباشد. اما نه، حالا نه. حالا حس هیچ چیزی نیست. درنهایت بعد از مزه‌مزه کردن چایم، تصمیم می‌گیرم سیستم را خاموش کنم و بروم یک فکری برای نهار بکنم.

### من یک اهمال‌کارم!

شاید با خواندن خطوط بالا به خودتان بگویید که این نویسنده عجب آدم تنبلی است، شاید هم با آن همذات‌پنداری کنید و بدانید که چه حس مسخرهٔ عذاب‌آوری است. این که بخواهی کاری را انجام دهی اما نیرویی درونی مانعت شود. می‌دانی باید همین حالا انجامش بدهی اما می‌روی سراغ یک کار دیگر؛ چون می‌خواهی از آن اضطراب لعنتی دور شوی.

### ۱۰ راهکار برای غلبه بر اهمال کاری در نوشتن

لیوان چای را روی میز می‌گذارم و با شست پایم دکمهٔ استارت را می‌فشارم. صدای فن بلند می‌شود. پلنر هفتگی و دفترچهٔ چک‌لیست روزانه را باز می‌کنم. هر دو خالی‌اند. وسط هفته است و من هیچ برنامه‌ای نچیده‌ام.

این هفته باید چهار مقالهٔ نیمه را به سرانجام برسانم، علاوه بر ویرایش یک کتاب، پیش‌نویس یک کتاب دیگر را هم شروع کنم. کجای کارم؟

زیرلب به خواب دل‌چسب صبح و بی‌حالی عصرگاهی لعنت می‌فرستم. دلم هیچ‌کدامشان را نمی‌خواهد. دلم می‌خواهد یک مقالهٔ تازه را شروع کنم؟ نه.

## اهمال کاری یعنی چه؟

اهمال کاری یعنی کاری که حالا باید انجام بدهیم را بگذاریم برای بعد و برویم سراغ کاری که کمتر مهم است و یا الان اصلاً مهم نیست.

البته از یک منظر دیگر هم می‌توان این تعریف را ارائه کرد:

ما شروع یا ادامه دادن یک کار را مدام عقب می‌اندازیم و پیشرفتمان در آن کار صفر یا خیلی نزدیک به صفر است. اگر یک نویسنده در نوشتن دچار چنین حالتی بشود، او را نویسنده‌ی اهمال‌کار می‌نامند.

## آیا شما هم یک نویسنده‌ی اهمال‌کار هستید؟

با توجه به عملکرد یک ماه گذشته خود به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱. هنگام نوشتن زیاد غرق خیال می‌شوید و یادتان می‌رود چیزی بنویسید؟

۲. میان نوشتن زیاد از سرجایتان بلند می‌شوید؟

۳. زمان چندانی برای نوشتن گیر نمی‌آورید؟

۴. احساس می‌کنید تمام ایده‌هایتان کپک زده‌اند؟

۵. قبل از آغاز نوشتن هزار کار دیگر را سامان می‌دهید؛ آن قدری که وقت یا رمقی برای نوشتن نمی‌ماند؟

۶. نوشتن باعث می‌شود مضطرب شوید؟



۷. زمان زیادی را در فضای مجازی می‌گذرانید؟

۸. تا از موضوع و ایده مطمئن نشوید دست به نوشتن نمی‌برید؟

۹. موقع نوشتن احساس می‌کنید گندترین نویسنده‌ی تاریخ بشریت هستید؟

۱۰. روزی ۸ بار از خودتان می‌پرسید: «دقیقاً رو چه حسابی فکر کردم می‌تونم نویسنده بشم؟»؟

اگر پاسخ‌تان دست‌کم به ۵ سؤال از ۱۰ سؤال بالا «بله» بود، به احتمال زیاد شما هم یک نویسنده‌ی اهمال‌کار هستید.

## ریشهٔ اهمال کاری خود را بیابید

آیا محاسبهٔ امتیازها نشان داد که یک نویسندهٔ اهمال کار هستید؟ هیچ عیبی ندارید. تعدادمان بیشتر از چیزی است که فکرش را می‌کنید.

برای حل این مشکل اولین قدم پیدا کردن ریشهٔ اهمال کاری است. به طور کلی می‌توانیم ۳ ریشهٔ اصلی برای اهمال کاری در نوشتن عنوان کنیم:

### ۱- احساس ترس، شرم و اضطراب

نکند کارم خوب نیست؟ خیلی بد نیست؟ حالا چه فکری درموردش می‌کنند؟ چه فکری درمورد خودم می‌کنند؟ اگر نتیجه یا واکنش دیگران آن‌طور که خیال می‌کردم نبود چه؟

تمام این ترس‌ها معمولاً زیر سر کمال‌گرایی یا تجربه‌های شکست‌خوردهٔ مشابه است.



## ۲- زمان‌بندی

زمان عنصر اصلی اهمال کاری است. کافیست احساس کنید زمانتان زیادی کم است، آن وقت نمی‌توانید متمرکز شوید و به جای انجام دادن کار غر می‌زنید.

اگر هم زمانتان زیادی زیاد باشد خیال برتان می‌دارد که زیادی وقت دارید. پس تا لحظهٔ آخر اتمام کار را به تعویق می‌اندازید.

اگر هم زمانی برای پایان کار نداشته باشید، خدا به دادتان برسد، چون ممکن است تکمیل کردن آن نوشته تا ابد طول بکشد.

## ۳- خستگی

ما زمانی احساس خستگی می‌کنیم که تصور کنیم انرژی و توانمان ته کشیده است. گاهی همین موضوع دلیل اصلی اهمال کاری ماست و ما چه می‌کنیم؟

به جای اینکه واقعاً استراحت کنیم، مشغول چت کردن می‌شویم تا بدبختی و خستگی و کوه کارهای عقب‌افتاده‌مان را به اطلاع دیگران برسانیم و آن‌ها هم دلداری‌مان بدهند و بگویند این قدر به خودمان سخت نگیریم.

استراحتی که این‌جا به آن اشاره می‌کنم نه تنها استراحت جسمی، بلکه بیشتر استراحت ذهنی است. تنها برای ۱۵ یا ۳۰ دقیقه، جلوی ورود هرگونه اطلاعات مزخرفی را به مغزتان را بگیرید. این یعنی استراحت.

همین مسئله باعث می‌شود خیلی وقت‌ها دچار تردید شویم یا بیش از اندازه از متنمان ایراد بگیریم، اما تا آن چیزی را که درون سرمان است روی برگه نیاوریم چطور می‌توانیم بفهمیم چقدر خوب یا بد است یا کدام قسمتش به اصلاح نیاز دارد؟

پس برای «به کمال رسیدن»، باید نوشته شود و زمانی که نوشته شد، اصلاح شود، نه زمانی که درون سرمان است.

یادتان باشد نوشته‌هایتان هرچقدر هم که نامطلوب باشند باز هم ارزشمندند، چون شما تلاش کرده‌اید آن‌ها را بنویسید، کاری که بسیاری از افراد انجامش نمی‌دهند.

بعد از اینکه فهمیدیم چرا به چنین نفرینی دچار می‌شویم، باید برویم سراغ درمان. برای این که کمتر درگیر اهمال کاری شوید، می‌توانید برخی از راه‌کارهای زیر را امتحان کنید:

### ۱. کمال‌گرایی را کنار بگذارید

شروع کردن یا ادامه دادن نوشتن، گاهی فقط به یک دلیل سخت می‌شود: چیزی که در حال پیاده کردنش هستیم، هیچ شباهتی به آن چیزی که در سر داشتیم ندارد.

انگار تمام جلال و جبروتش در این فرایند به قلم کشیدن، از دست رفته است.



## ۲. مسئله را شخصی نکنید

یکی از ریشه‌های اهمال‌کاری ترس از نتیجه‌ی ماجراست؛ بازخوردهای دیگران بخشی از هویت ما می‌شوند. همین مسئله می‌تواند کاری کند که نوشتن یک متن (در هر قالبی با هر ایده‌ای) را برای مدتی طولانی عقب بیندازیم.

همیشه وقتی دچار چنین ترسی می‌شوم به خودم می‌گویم «نظر بقیه، حتی اگر بد باشد، فقط یک نظر است». نمی‌گویم گورِ نظراتشان، منظورم فقط این است که آن‌ها را به خودتان نگیرید.

این نوشته‌ی شماست و بابتش زحمت کشیده‌اید؛ فکر کرده‌اید، پیاده‌اش کرده‌اید و دوستش دارید؛ حتی اگر خودتان بدانید که به اندازه‌ی کافی خوب نیست. پس طبیعی است که ایرادگرفتن از اثرتان، به هویتتان ضربه بزند.

باید اثرتان را از هویتتان جدا کنید. یادتان باشد که این اثر قرار نیست تمام شما را معرفی کند و درست مثل لباس بد دوخته شده، قابل اصلاح است. این چنین تصویری می‌تواند بخش قابل توجهی از ترس‌هایمان را از بین ببرد. هرچند که قرار نیست برای همیشه از دستش خلاص شویم و راستش گاهی محرک خوبی است تا بیشتر تلاش کنیم.

با این حال، اگر نظر خوب یا بدی درمورد نوشته‌تان گرفتید، یادتان باشد درمورد کار است، نه درمورد خود شما.

اگر کسی بگوید: «غذا شور شده است»، دست از پختن می‌کشید؟ اگر کسی بگوید قلیه را ترش‌تر از چیزی که شما پخته‌اید دوست دارد، قسم می‌خورید که دیگر قلیه نپزید؟ نوشتن هم درست مثل همین کارهاست. دوباره و دوباره تلاش می‌کنیم تا بهتر شود. البته پای سلیقه هم درمیان است. پس لزومی ندارد همیشه جوری بنویسیم که سلیقه‌ی همه‌ی آدم‌ها در آن لحاظ شده باشد.



## ۳. کارتان را سهمیه‌بندی کنید

به پلنر هفتگی نگاهی می‌اندازم، ۵ پروژه‌ی نوشتاری مختلف خودنمایی می‌کنند. طبیعی است که اگر همزمان به تمامشان فکر کنم خشم می‌زند و ترس برم می‌دارد که چطور در این چند روز به تمامشان رسیدگی کنم؟ و درست در همین زمان است که هوس می‌کنم یک گوشه‌ی دراز بکشم و باقی سریال محبوبم را ببینم.

برای جلوگیری از اهمال‌کاری در چنین زمان‌هایی باید کار را طی ۳ مرحله سهمیه‌بندی کنید:

اول: تمام کارها را سوا کنید.

برای مثال من ۲۰۰۰ کلمه سهمیه روزانه دارم، گاهی بیشتر از این می‌نویسم اما تمام تلاشم را می‌کنم که چندان کمتر نشود. این سهمیه را گاهی خرج تمرین‌های مختلف، داستان بافتن، بازنویسی یا رسیدگی به مقاله‌ها می‌کنم. گاهی هم هیچ ایده‌ای ندارم پس با ناله کردن پرش می‌کنم. خیلی وقت‌ها میان همان بی‌ایده‌گی چیزی نصیب می‌شود. اگر هم نشود، حداقل ذهنم قدری خلوت می‌شود.

#### ۵. هروقت زمین خوردید، کار را از همان نقطه از سر بگیرید

به‌نظرم یکی از فاجعه‌بارترین کارها این است که بخواهیم تمام عقب‌ماندگی‌های اخیر را یک‌جا جبران کنیم. این کار باعث می‌شود در یک زمان کوتاه فشار زیادی به مغزمان بیاوریم و بعد برای باقی روزها یک ذهن خسته روی دستمان بیفتد.

هروقت که از برنامه عقب می‌افتم تمام تلاشم را می‌کنم تا گول وسوسه‌های کمال‌گرایی درونم را نخورم و یکی‌یکی به کارها برسم. اصلاً انگار که هیچ‌وقت عقب نیفتاده‌ام، کار را از همان نقطه‌ای که رها شده بود از سر می‌گیرم. البته گاهی برای برخی کارها زمان نهایی داریم و باید کار را تحویل بدهیم. با این وجود حتی در همان زمان‌ها هم بهتر است که مهم‌ترین کار یا کمترین کار را برداریم و از همان شروع کنیم. درضمن تلاش برای فکر نکردن به باقی کارها را هم نباید از یاد ببریم.



دوم: اندازه تقریبی هر کدام را مشخص کنید.

سوم: قطعات سهمیه را به اندازه توانایی حقیقی که در اختیار دارید آماده کنید.

می‌توانید این سهمیه‌ها را براساس تعداد کلمه یا صفحه مشخص کنید. اما حواستان باشد که خیلی دست بالا را نگیرید. خیلی هم کار را شلوغ نکنید. کارها را یکی‌یکی پیش ببرید.

اگر کارها عقب بیفتند اما یکی‌یکی پیش بروند خیلی بهتر از این است که عقب بیفتند و نیمه یا شروع نشده باقی بمانند.

#### ۴. بی‌توجه به ایده و الهام، به سهمیه روزانه وفادار بمانید

یکی از دلایل اهمال‌کاری در نوشتن، نداشتن ایده است. گاهی نمی‌دانیم کار را چطور شروع کنیم، چطور هر بخش را بسط بدهیم یا اصلاً نمی‌دانیم درمورد چه چیزی بنویسیم.

یک سهمیه ثابت روزانه برای خودتان در نظر بگیرید و تلاش کنید که به آن وفادار بمانید.





## ۶. اولویت‌بندی کنید

اهمال‌کاری یک‌جور ناتوانی در اولویت‌بندی کردن است. ما به‌جای آن که برویم سراغ کار مهم، می‌رویم سراغ کار کم‌اهمیت‌تر یا یک کار بیهوده. پس کارها را در زمان درست انجام نمی‌دهیم.

برای رفع این مشکل باید حواسمان به تاریخ‌ها و فعالیت‌ها باشد، یک توجه آگاهانه. همچنین باید چک‌لیست داشته باشیم و کارهایمان را یادداشت کنیم.

اصلاً همین حالا یک برگه بردارید و شروع کنید به نوشتن تمام کارهایی که دارید (فرقی نمی‌کند در چه زمینه‌ای باشند).

حالا ببینید که کدام مهم‌تر است، چه کارهایی را باید تا چه زمانی تمام کنید، کدام کارها باید همین امروز یا همین هفته تمام شوند. بعد تلاش کنید برای امروز فقط سه تا از مهم‌ترین کارها را بردارید و سراغ انجام دادنشان بروید. بعد از آن اگر وقت اضافه آوردید می‌توانید سراغ یکی دیگر از کارها بروید، اما حواستان باشد که قرار نیست در طول یک روز تمام مدت مشغول نوشتن باشیم یا مدام از این گوشه کار به آن گوشه کار بپریم.

## ۷. از یک تقویم محتوایی استفاده کنید

معمولاً نداشتن زمان نهایی برای اتمام کار باعث می‌شود اتمام کار را مدام عقب بیندازیم یا اصلاً

ش

شاید خیال کنید که حتماً به روزی ۸ ساعت نیاز دارید اما اگر فقط روزی ۲ ساعت زمان بگذارید، آن هم هرروز، به نتیجهٔ بهتری می‌رسید تا اینکه بخواهید ۵ - ۶ ساعت کار کنید اما هیچ‌وقت گیرش نیاورید.

داشتن یک زمان طولانی پشت‌سرهم همیشه جواب نمی‌دهد. چقدر می‌توانید پشت مانیتور بنشینید و روی کلیدها ضربه بزنید؟ ترجیح من این است که اگر به زمان بیشتری نیاز داشتم آن را تقسیم کنم؛ برای مثال یک نشست ۳ ساعته در ابتدای روز و یک نشست ۲ ساعته میانه یا نزدیک به انتهای روز.

درضمن زمانی که می‌روید سراغ نوشتن تلاش کنید فقط به نوشتن فکر کنید. حتی اگر صدبار از جایتان بلندتان کردند.



شروعش نکنیم. این مشکل برای یک نویسنده می‌تواند هم‌چون نفرینی مرگبار عمل کند؛ تا ابد درجا زدن! پس بهتر است یک تقویم محتوایی داشته باشید.

لازم نیست کار خاصی کنید، می‌توانید یک پلنر هفتگی یا ماهانه بخرید، می‌توانید یک سالنامه پیدا کنید یا فقط یک برگه بردارید و با کشیدن یک جدول، نام پروژه و زمان تقریبی برای تمام کردنش را مشخص کنید.

برخی پروژه‌ها ممکن است طولانی یا شامل چند بخش باشند پس به جای آن که یک زمان طولانی برایشان درنظر بگیرید، آن‌ها را به چند مرحلهٔ کوچک‌تر تقسیم کنید. تلاش برای پایبندی به این تاریخ‌ها می‌تواند ما را منظم‌تر نگه دارد.

## ۸. کار را از زندگی جدا کنید

برای یک نویسنده، به‌خصوص از نوع خانه‌دار یا شاغلش، مشخص کردن یک زمان برای نوشتن یک چالش اساسی است.

شما می‌توانید از زمان‌های کوچکی که در طول روز گیرتان می‌آید بهره ببرید اما برای داشتن تمرکز درست و حسابی، لازم است که یک زمان مشخص روزانه برای کار نوشتن داشته باشید.

این زمان می‌تواند هر وقتی باشد، فقط باید زمانی باشد که می‌دانید کمترین مزاحمت را خواهید داشت. میزانش هم باید با توجه به شرایط و توانتان باشد.

## ۹. چالش ایجاد کنید تا انگیزه بگیرید

چند روزی بود دل و دماغ نوشتن نداشتم. همین مقاله افتاده بود یک گوشه خاک می‌خورد و در چنگال اهمال‌کاری اسیر شده بودم. به یک تنوع نیاز داشتم، پس تصمیم گرفتم مقاله را کنار بگذارم و به سراغ بازنویسی یک داستان کوچک و نسبتاً قدیمی بروم.

قصد داشتم آن را برای نقد بفرستم. این برایم یک چالش بود که انگیزه نوشتن را از نو قدری درونم بیشتر کرد.

گاهی نیاز دارید دسته‌جمعی بنویسید، بروید سراغ تقلید از داستان محبوبتان، در ۳۰ روز ۳۰ داستان بنویسید، در یک ماه یک کتاب بلاگ کنید یا به‌طور مستمر در یک نشست شرکت کنید. ببینید چه چالشی هنرمند درونتان را تحریک می‌کند؟

## ۱۰. پاداش را فراموش نکنید

هرچقدر هم بدون انگیزه بیرونی کاری را انجام دهید، باز هم دریافت پاداش می‌تواند حسابی سرشوقتتان بیاورد.

بعد از انجام یک چالش یا پشت سر گذاشتن یک پروژه نفس‌گیر شایسته یک جایزه هرچند کوچک هستیم. این پاداش حتی می‌تواند یک دوره استراحت حسابی باشد.

ببینید هنرمند گرسنه درونتان در ازای تحمل کردن این همه فشار خواستار چیست؟

## سخن پایانی

به‌عنوان حسن‌ختم می‌خواهم از مهم‌ترین درس‌هایی که در مسیر نویسنده بودن آموخته‌ام پرده‌برداری کنم:

لازم نیست تا آخرین ذره جانتان کار کنید.

لازم نیست هرروز ۲۰ ساعت پشت سیستم بنشینید.

لازم نیست هرروز ۱۰۰ درصد کارها را پیش ببرید.

لازم نیست هرشب تا دیروقت بیدار بمانید.

لازم نیست خودتان را سرزنش کنید.

لازم نیست خودتان را با دیگران مقایسه کنید.

لازم نیست برنامه‌تان را تا خرخره پر کنید.

لازم نیست تمام کارها را همین امروز به سرانجام رسانید.

لازم نیست...

این مقاله یک ویدیوی تکمیلی نیز با همین نام (نویسنده اهمال‌کار) دارد که می‌توانید آن را در کانال آپارات محتواکار با اجرای من (زهرا بیت‌سیاح) ببینید.

کانال آپارات محتواکار را دنبال کنید:

[www.aparat.com/mohtavakar.com](http://www.aparat.com/mohtavakar.com)

## قله‌های طنز نویسی ایران

### معرفی ۵ نویسنده طنزپرداز معاصر ایرانی

طنز یکی از ابزارهای مهم ادبی به شمار می‌آید که شاعران و نویسندگان، همواره برای بیان مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از آن بهره می‌برند.

طنز در حقیقت اعتراضی‌ست به مشکلات و نابه‌سامانی‌هایی که در طول تاریخ بر سر مردم آوار می‌شود. از این رو وجدان بیدار و ضمیرآگاه شاعران و نویسندگان با نمایش زشتی‌ها،

عیب‌ها و نقص‌های پدیده‌ها و روابط حاکم در حیات اجتماعی، در صدد تذکر، اصلاح و رفع آن‌ها برمی‌آیند.

در ادامه شماری از نویسندگان و شاعران طنزپرداز ایرانی را معرفی خواهیم کرد.

#### ایرج پزشک‌زاد (۱۳۰۶-۱۴۰۰)

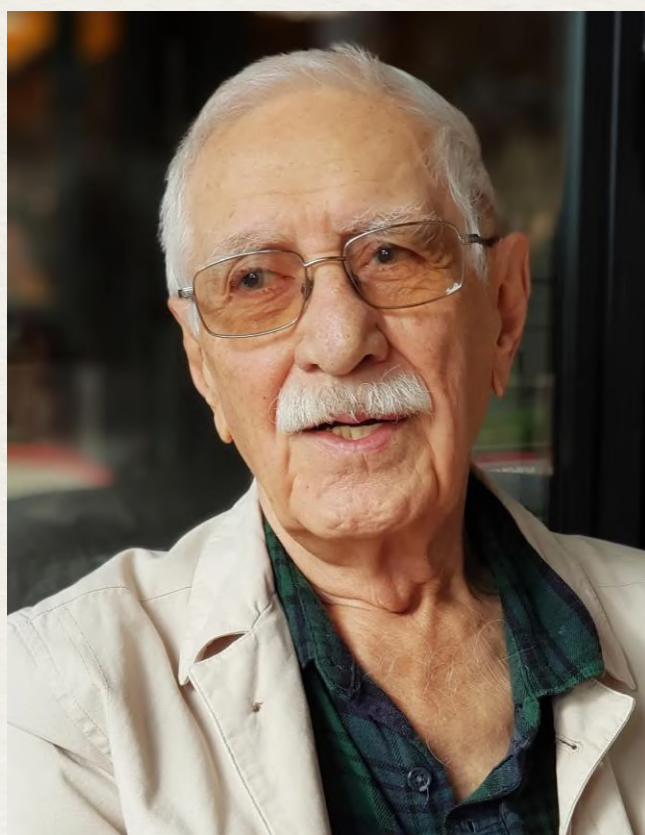
در میان نویسندگان طنزپرداز معاصر، ایرج پزشک‌زاد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است شهرت او بیشتر به دلیل آفرینش رمان «دایی‌جان ناپلئون» است.



ایرج پزشک‌زاد در کودکی، به همراه خواهر و دایی‌اش (همین شخص الهام‌بخش ایرج برای خلق کاراکتر دایی‌جان ناپلئون بود).

در سال ۱۳۵۵، ناصر تقوایی براساس آن، مجموعه‌ای تلویزیونی به همین نام ساخت. کتاب «آسمون ریسمون» یکی دیگر از کتاب‌های برجسته این نویسنده است.

پزشک‌زاد در آثارش از تکنیک‌های گوناگونی برای آفرینش طنز، سود جسته و بدین وسیله با مهارت فراوان به انتقاد از مسائل پرداخته است.



او بنا بر شرایط، موقعیت و نوع اثر، به انتخاب تکنیک‌های مختلف دست زده و این مسیر را با موفقیت پشت سر گذاشته است. بعضی از تکنیک‌ها همچون بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی، طعنه و تحلیل طنزآمیز در آثار او شاخص‌تر و از بسامد بالاتری برخوردار است؛

اما بعضی از آن‌ها هم‌چون نقیضه، شیوه لغت‌نامه‌ای و نقل‌قول مستقیم بیشتر به طنز روزنامه‌ای «آسمون ریسمون» اختصاص دارد و در رمان‌ها و نمایشنامه‌های او کمتر دیده می‌شود.

### جلال آل‌احمد (۱۳۰۲-۱۳۴۸)

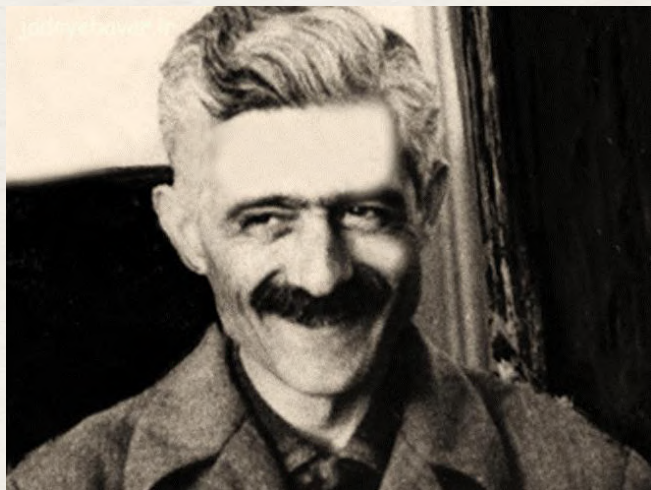
جلال از نویسندگان پرکار دهه ۴۰ خورشیدی است که در آثار خود، بارها مسائل اجتماعی، سیاسی و عقیدتی را به چالش کشیده است؛ انتقاد از مسائل جامعه نه تنها در مقالات و سایر نوشته‌های او، بلکه در داستان‌های کوتاه‌اش نیز نمایان است.

از پنج مجموعه داستان کوتاه چاپ شده از وی، چهارتا از آن‌ها، لحن طنزآمیز دارند. او موضوعاتی مانند فلاکت و عقب‌ماندگی عوام، رواج باورهای خرافی، بی‌اعتنایی افراد نسبت به اجتماع و شهروندان، سیاست‌بازی و روش‌های نامطلوب مبارزه برای رسیدن به شهرت، تعصبات دینی و از بین رفتن اصالت‌های فرهنگی را در قالب داستان‌های طنزآمیز مورد انتقاد قرار می‌دهد.

آل‌احمد، افزون بر بهره‌گیری از طنز در درون‌مایه داستان‌هایش، از طنز کلامی (طنز در بیان راوی داستان یا شخصیت‌های اصلی آن) نیز استفاده می‌کند و برای این منظور سازوکارهای طنزآفرینی را در خدمت داستان قرار می‌دهد که عبارتند از:

او با خلق داستان‌های طنزآمیزش از نابسامانی‌های اجتماعی و سیاسی پرده برمی‌دارد و آن‌ها را به چالش می‌کشد. جمال‌زاده برای هر چه ملموس‌تر کردن داستان‌هایش و تفهیم مخاطب عام، شیوه‌های مختلفی را در طنزپردازی به کار می‌برد.

زبان طنز در بیشتر آثار جمال‌زاده، زبانی با چاشنی ادبیات عامه است. او زبان مردم کوچه و بازار را با طیف متنوعی از سازوکارهای زبانی ترکیب کرده است و به همین ترتیب آثار برجسته‌ای چون فارسی شکر است، سروته یه کرباس، دارالمجانین، راه‌آب‌نامه، قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریش‌دار و... را خلق کرده است.



کنایات و تعابیر عامیانه، تشبیهات طنزآمیز، استعاره، تضاد، تکرار، اغراق (بزرگ‌نمایی)، تحقیر (خردنمایی)، ایهام تناسب، تشخیص، حسن‌تعلیل و صنعت عکس (در حوزه بلاغت) و درهم آمیختگی گونه‌های مختلف زبانی، جناس، درهم شکستن قراردادهای همنشینی (در حوزه دستور زبان)، پارادوکس و نقیضه‌سازی.

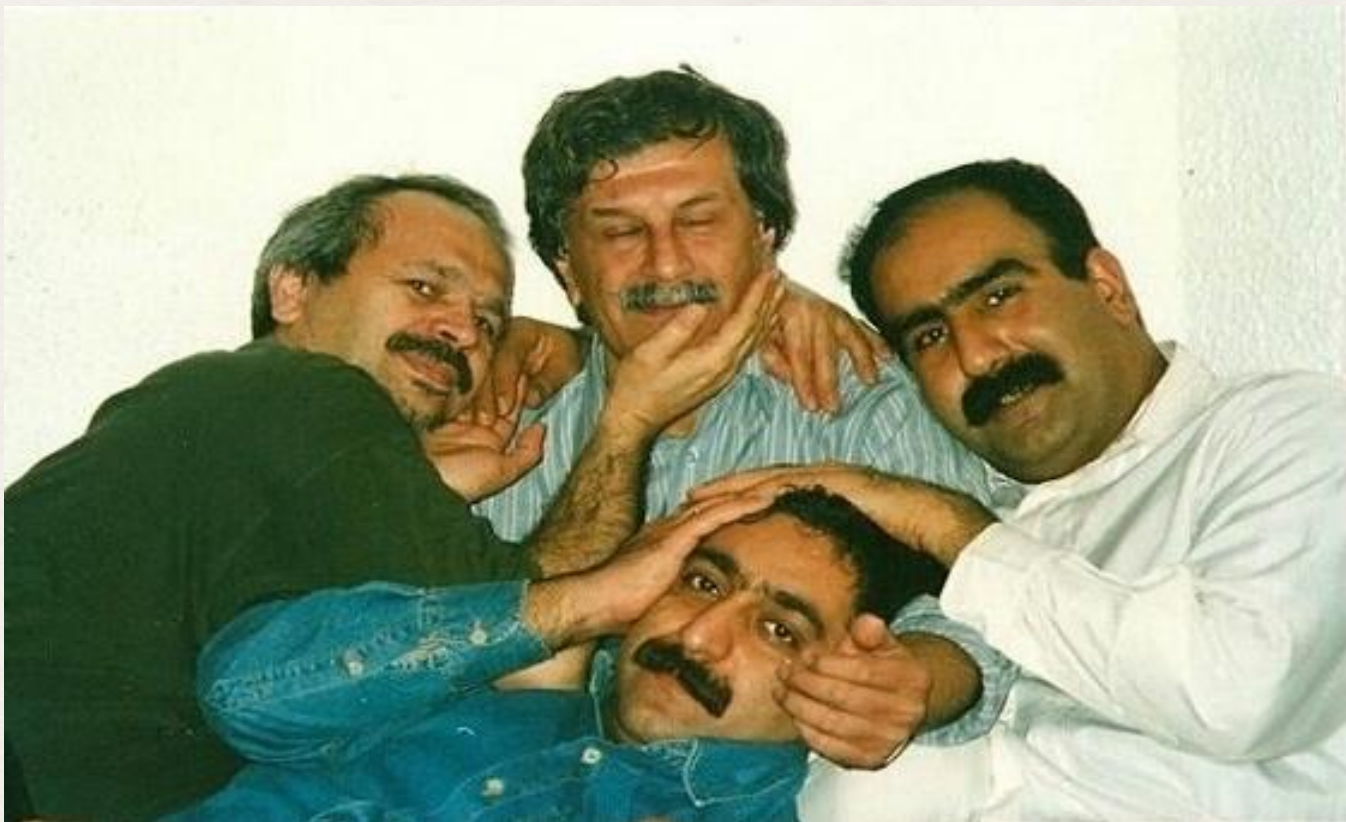
«سنگی بر گوری» از نمونه‌های درخشان طنز تلخ جلال آل‌احمد است.

محمدعلی جمال‌زاده (۱۲۷۰-۱۳۷۶)

محمدعلی جمال‌زاده را پدر داستان‌های فارسی لقب داده‌اند. او نخستین نویسنده‌ای است که توانست تکنیک داستان‌نویسی اروپایی را آگاهانه به کار گیرد و در عین حال، یکسره تسلیم تکنیک داستان‌پردازی غربی هم نشود.

او با دمیدن روحی ایرانی به روشی که از غرب وام گرفته بود، توانست آن را در قالبی هماهنگ با ذوق و حوصله و نیاز فرهنگی زمان، به هم‌وطنانش هدیه کند.





### عمران صلاحی (۱۳۲۵-۱۳۸۵)

عمران صلاحی شاعر، نویسنده، مترجم و طنزپرداز ایرانی است. از ویژگی‌های شعری عمران صلاحی می‌توان به سادگی در کلام، ایجاز، پرداختن به جزئیات در شعر، آوردن تعبیر نو و تصویرسازی روشن اشاره کرد.

او برای ارائه طنز از قالب‌های مختلف نثر (رمان، داستان کوتاه، نامه، سفرنامه، نمایش‌نامه، فیلم‌نامه، واژه‌نامه، خاطره، مصاحبه، متل، نکته، اخبار و آگهی) و نظم (مثنوی، غزل، قطعه، رباعی، دوبیتی، مسمط ترجیع، شعر نو) استفاده می‌کرد.

بیشتر شهرت صلاحی در سال‌هایی بود که برای مجلات روشنفکری آدینه، دنیای سخن و

کارنامه به‌طور مرتب مطالبی با عنوان ثابت «حالا حکایت ماست» می‌نوشت و از همان زمان او بر اساس این نوشته‌ها «آقای حکایتی» لقب گرفت. بعدها این مجموعه نوشته‌ها در قالب یک کتاب به وسیله انتشارات مروارید چاپ شد. او در مجلات توفیق و گل‌آقا نیز حضور پررنگی داشته است.

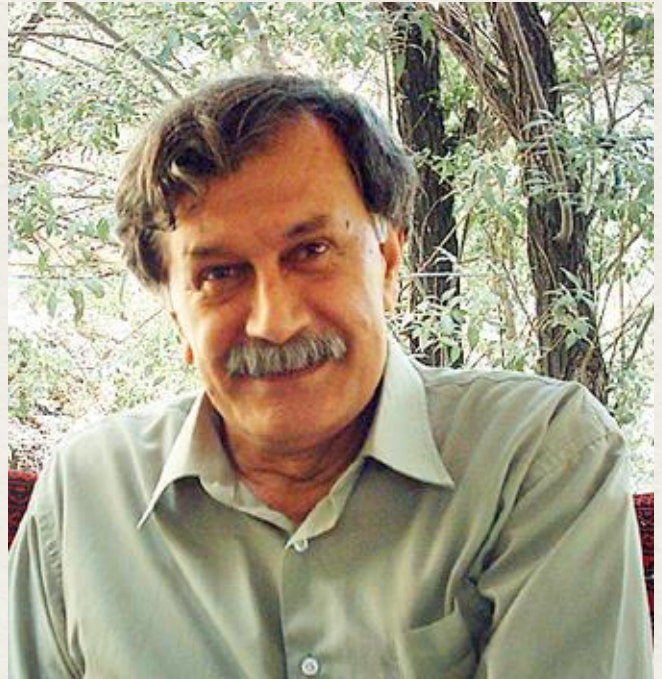
آثار عمران صلاحی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱. آثار طنز مانند کمال تعجب، از گلستان من ببر ورقی، تفریحات سالم، کلک مرغابی و...
۲. مجموعه شعرهای جدی شامل گریه در آب، مرا به نام کوچکم صدا بزن، آن سوی نقطه چین‌ها، ایستگاه بین راه و...

او در ابتدا معلم ادبیات فارسی بود و در نشریه توفیق و اطلاعات نیز فعالیت می‌کرد اما بالاخره بعد از چند سال تصمیم گرفت اولین هفته‌نامه طنز پس از انقلاب را راه‌اندازی کند. صابری نام آن را گل‌آقا گذاشت.

نشریات گل‌آقا جایگاه ویژه‌ای در ادبیات فارسی دارد، گل‌آقا میزان انتقادپذیری مسئولان دولتی ایران پس از انقلاب را تا حدی بالا برد.

برخی از اهالی ادبیات چون علی موسوی گرمارودی بر این باورند که میان طنز صابری و عبید زاکانی شباهت‌هایی است، مثلا: هر دوی آن‌ها مردم‌گرا بودند، طنز را عاملی برای بهبود وضعیت مردم کوچه و بازار می‌دانستند و در نقد و طنز به مردم طبقات پایین به‌طور مستقیم توجه می‌کردند. از این‌رو آثار آن‌ها نه تنها خواندنی بلکه ماندنی است.



۳. پژوهش‌ها و تحقیقات ادبی مثل طنزآوران امروز ایران با بیژن اسدی‌پور، طنز در کاغذ کاهی، خنده‌سازان و خنده‌پردازان و...

۴. ترجمه کتاب سه مرد در یک قایق نوشته جروم کلیکا جروم

کیومرث صابری فومنی (۱۳۲۰-۱۳۸۳)

کیومرث صابری فومنی معروف به گل‌آقا، نویسنده، معلم، شاعر و بنیان‌گذار طنز نوین ایران بود. او جسارتی داشت که به قلمش قدرت بسیاری می‌بخشید تا واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی را بنویسد. گیرایی نوشته‌هایش موجب شد تا در مدت کوتاهی نظر مردم، مقامات، ادبا، نویسندگان و رسانه‌های داخلی و خارجی را جلب کند.

محمدعلی جمال‌زاده از نخستین مشوقان او در نویسندگی بود.





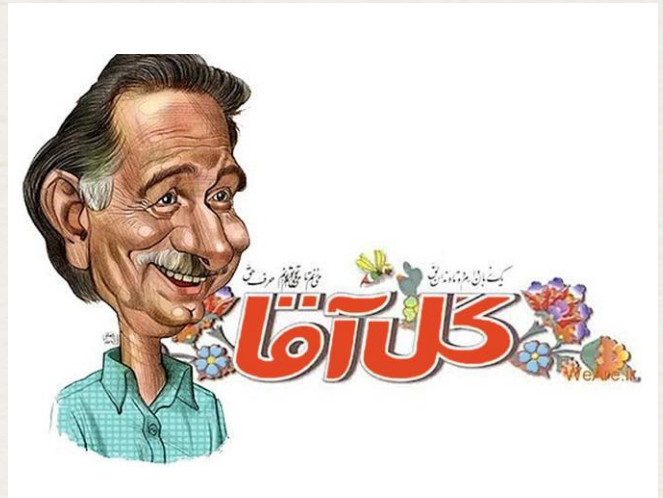
او شخصیت‌هایی چون شاغلام، مشرجب، غضنفر، ممصاّدق و کمینه (عیال ممصاّدق) خلق کرد تا بتواند مشکلات و انتقادات مردم را به گوش مسئولان برساند.

منابع:

مقاله سازوکارهای طنزآفرینی در داستان‌های کوتاه  
جلال آل احمد | حسین بهزادی اندوهجردی و  
مریم شادمحمدی

مقاله تکنیک‌های طنزآفرینی در آثار ایرج پزشک‌زاد  
| اطهر تجلی و طاهره نعمت‌الهی

...و



گل‌آقا طنز می‌نوشت. نوشته‌هایی که انتقاد،  
تجاهل، انصاف، ادب، ایجاز، رندی، امیدبخشی،  
سازندگی و شادی‌آفرینی در دل آن بود.

زمانی که شما با برنامه‌ها و نرم‌افزارها به  
شکل‌های گوناگون روبه‌رو می‌شوید، برای ادامه  
بهتر کار، پیام‌ها و جملاتی ردوبدل می‌شود تا  
من و شما کاربر از آن ابزار مناسب‌ترین بهره  
را ببریم؛ مانند جملات خوش‌آمدگویی، خطاها،  
تکمیل سبد خرید و...



## UX Writing

### نویسندگی تجربه کاربری

نویسندگی در دنیای دیجیتال به‌ویژه دیجیتال  
مارکتینگ انواع مختلفی دارد مانند  
مقاله‌نویسی، کپی‌رایتینگ (تبلیغ‌نویسی) و...

برای لحظاتی کوتاه همراه مقاله پیش رو باشید  
تا در کنار هم درک بهتری از واژه یوایکس‌رایتر  
داشته باشیم.

### UX Writing کیست و چه وظیفه‌ای دارد؟

User experience Writer نویسنده‌ایست  
که براساس اهداف از پیش تعیین‌شده، محتوای  
درون سایت و انواع اپلیکیشن‌ها را برای کاربران  
می‌نویسد.



وظیفه‌ی اصلی یک UX Writer آن است که تا زمانی که کاربر در صفحات سایت یا اپلیکیشن حضور دارد، با راهنمایی‌هایی که از طریق دکمه‌ها، پیام‌ها و فراخوان‌های مختلف، در کوتاه‌ترین زمان، نیاز کاربر را برطرف کند، حس و حال مطبوعی را به او انتقال دهد و در نهایت تجربه کاربری بهتری ایجاد کند.

### تفاوت کپی‌رایتر با یوایکس‌رایتر

حتی اگر در برخی موارد وظایف کپی‌رایتر و یوایکس‌رایتر شبیه به هم باشند، باز نمی‌توان آن‌ها را یکی دانست. کپی‌رایتر (به‌ویژه برای مطالب سایت) در تلاش است که با معرفی درست محصولات مخاطب را با خود همراه کند تا از آن محصولات استفاده کند.

حال که در این مورد صحبت می‌کنیم شاید با این دقت به موضوع توجه نکرده باشید. آن جملات کوتاه و عبارت‌هایی که در بین برنامه‌ها و صفحات سایت نمایش داده می‌شود را یوایکس‌رایتر به نگارش درمی‌آورد.

اگر آن پیام‌ها و جملات میان برنامه و کاربر ردوبدل نشود، معمولا کارها درست پیش نمی‌روند و کاربر بدون معطلی از آن صفحه خارج می‌شود، چون نمی‌خواهد بیش از این سردرگم شود.

طبیعتا هیچ صاحب کسب‌وکار آنلاینی و به‌خصوص مدیر محصولی هم نمی‌خواهد چنین موضوعی برای خدمات و محصولاتش پیش بیاید.

هدف اصلی نوشتن UX تسهیل تجربه کاربر از یک محصول یا خدمت است و به کاربر کمک می کند راه خود را در مورد محصول پیدا کند و او را در مراحل یک فرآیند خاص راهنمایی کند.

نوشتن UX برای متقاعد کردن، تبدیل یا فروش نیست بلکه برای آسان تر کردن کار کاربر است.

هدف اصلی کپی رایتینگ جذب کاربران و مشتریان جدید و ترغیب افراد برای خرید است. معمولاً تبلیغ محصولات یا خدمات کمک به تحقق اهداف فروش و بازاریابی است، مانند افزایش ترافیک (پست های وبلاگ) یا افزایش فروش (ایمیل های بازاریابی).

کپی رایتینگ زیرمجموعه بازاریابی است و هدف اصلی آن جذب مشتریان یا کاربران جدید و ترغیب آنها به انجام یک اقدام خاص، مانند دانلود یک محصول است.

یوایکس رایتر در روند معرفی محصول و خدمات نقش یک راهنمای کاربرد را بازی می کند. در عین حال باید مخاطب را بشناسد و از محصول تا حدودی شناخت داشته باشد تا بتواند راهنمایی های سودمندی به مخاطب هدف ارائه دهد؛

بنابراین روی محصول تمرکز می کند و کارش با مدیر محصول، برنامه نویس و طراح UX و UI گره خورده است.



- مهارت‌های نویسندگی مانند نوشتن با لحن‌ها و شکل‌های مختلف
- دامنه‌ها و واژگان وسیع
- مهارت‌های ارتباطی
- کنجکاوی و خلاقیت
- آشنایی با استراتژی محتوا و فروش محصول



### کلام آخر

همه این توضیحات را در مفهوم UX Writer بیان کردیم که بگوییم نویسنده تجربه کاربری قرار است از نگاه متفاوتی محصولات و سرویس‌های مورد نظر را به کاربر معرفی کند. در نهایت در این مسیر به شیوه‌ای عمل کند که حس منحصر به فرد بودن به مخاطب دست دهد.

منابع:

[careerfoundry.com](https://careerfoundry.com)

[uxdesigninstitute.com](https://uxdesigninstitute.com)

...و

### یوایکس رایتینگ شامل چه مواردی می‌شود؟

پیام‌هایی از جمله:

- پیام‌های خطا
- پیام‌هایی در خصوص استفاده از یک گزینه یا امکان
- متن توضیحات برای راهنمای اپلیکیشن و صفحات سایت
- نوتیفکشن‌ها (اعلان‌ها و یادآوری‌ها)

...و

### مهارت‌های مورد نیاز UX Writer

کار یوایکس رایتز چیزی فراتر از نوشتن است، در واقع ترکیبی از دو کار نویسندگی و طراحی است و باید بستر مناسب را فراهم می‌کنند تا محتوای درست در اختیار مخاطب قرار گیرد.

UX Writer با استفاده از کلمات و عبارات کوتاه با کاربر مورد نظر ارتباط می‌گیرد؛ بنابراین باید مهارت‌های خود را در بخش‌های زیر تقویت کند:



ماهنامه

محتواکار

شماره دوم سال اول | مهر ۱۴۰۲